

شمار زنان تماس گیرنده با اورژانس اجتماعی افزایش یافته است

خانه‌هایی رها در گر دباد نامنی

«خانه» برای بعضی‌ها، نه تنها امن نیست که جایی است برای عذاب کشیدن‌های روحی و شکنجه‌های جسمی. خبرها به مامی گویند که بیشترین آسیب‌به زنان و کودکان در خانه‌های خودشان به آنان وارد می‌شود؛ برخی تعرضات جنسی به دختران و پسران، در خانه‌های شان و توسط پدران و برادران شان، اتفاق می‌افتد. اغلب زنان و دختران و کودکان کتک‌های جانانه را ابتدا از سوی والدین و خواهران و برادران خود تجربه می‌کنند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

خواهران و برادران خود تجربه می‌کنند. و از همه دردناک‌تر این که قانون در برابر چنین اتفاقاتی، دست کوتاه توان اندکی دارد؛ «پدر» به عنوان ولی و «شوهر» به عنوان سرپرست و قیم، معمولاً مجازات نمی‌شود و کسی نمی‌تواند از او بازخواست کند چرا که پدر و شوهر همان ولی یا صاحب دم است و شرعاً می‌تواند هر بلایی که خواست، سر اهل خانه‌اش بیاورد. نمی‌دانستید؟ بدانید؛ مافوقانی داریم که اگر وارد خانه بشویم، با حسرت و اندوه و احساس درد و زخم از آن‌ها بیرون خواهیم آمد؛ اگر مادری بخواهد همسرش که به فرزند مشترک‌شان آسیب جسمی و جنسی وارد کرده، مجازات شود، باید دیه کامل یک مرد را بپردازد؛ البته اگر در این عدالت‌خواهی، کفه ترازوی این الهه کور به سمت او سنگین باشد؛ که معمولاً چنین باشد!

«خانه» برای اغلب ما معنا و مفهوم خاص و حتی مقدسی دارد؛ هنگام بیرون آمدن از محل کار یا مدرسه یا دانشگاه همه ما برای بازگشتن به خانه بی‌صبری می‌کنیم، یا قاعدتاً با پدید آمدن طوری باشد. این طوری که دل‌مان برای خانه و اعضای خانواده بتپد، این طوری که در هر شرایط و حالی، در خانه بودن را ترجیح بدهیم. «خانه» فضایی است درست در میان جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم؛ اما البته فضایی محصور که ضمن این که ما را در جامعه نگاه می‌دارد، از آن جدا هم می‌کند و می‌گذارد نوعی دیگر از امنیت و خلوت و آرامش را تجربه کنیم؛ البته باز باید بگوییم که به نظر می‌رسد قاعدتاً باید چنین باشد!

اما شوربختانه چنین نیست. این روزها، خبرهایی می‌شنویم و آدم‌هایی را می‌بینیم که به ما می‌گویند «خانه» جایی است برای عذاب کشیدن‌های روحی و شکنجه‌های جسمی. خبرها به مامی گویند که بیشترین آسیب‌به زنان و کودکان در خانه‌های خودشان به آنان وارد می‌شود؛ برخی تعرضات جنسی به دختران و پسران، در خانه‌های شان و توسط پدران و برادران شان، اتفاق می‌افتد. اغلب زنان و دختران و کودکان کتک‌های جانانه را ابتدا از سوی والدین و

یادداشت

پاسخ؛ نمی‌تواند در یک کلمه آری یا نه خلاصه شود

آیا ازدواج با بیمار روانی ممکن است؟

فاطمه ناسخ، دکترای روانشناسی عمومی

افراد بنا بر حادثه‌ها و رویدادی که در طول زندگی برایشان رخ می‌دهد، ممکن است برای یک دوره مشخص بیماری‌های روانی نظیر افسردگی اضطراب، وسواس و دیگر اختلالات مربوط به روان را تجربه کنند. بر این اساس می‌توان گفت «روان» نیز مانند هر بخش دیگری از جوهره وجودی انسان ممکن است بارها در طول زندگی به بیماری دچار شود و نیاز به روانپزشک و روان‌درمانگر وجود داشته باشد. اما مساله مهم در نظر بسیاری از افراد جامعه این است، آیا ازدواج با فردی که بر حسب اختلال روانی روبرو شود می‌کشد، امری طبیعی تلقی می‌شود؟ نکته حائز اهمیت آن است که

هر انسانی دارای سه بعد زیستی، روان شناختی و اجتماعی است؛ آدمی به فرآیندهای زندگی و پیشمادهایی که در طول حیات تجربه می‌کند، ممکن است سبب تهدید و آسیب‌رساندن به هر کدام یک از این ابعاد شود که بالطبع منجر به بروز اختلالاتی در عملکرد فردی، شغلی، تحصیلی، اجتماعی و... می‌شود و به این ترتیب لطامت جبران‌ناپذیری به زندگی فرد وارد می‌آید. از اینرو در پاسخ به پرسش اینکه ازدواج با بیماران روانی الزاماً به شکست منجر می‌شود یا از آن سمت الزاماً موفقیت‌آمیز خواهد بود نمی‌تواند در یک کلمه آری یا نه خلاصه شود؛ پاسخ به سوال مطرح شده نیازمند بررسی تفکیک اختلالات روانی و شدت آنها از یکدیگر است و همچنین ضرورت است که مدت زمانی که بیمار تحت درمان دارویی و روان‌درمانی بوده نیز در نظر گرفته شود.

در قلمروی روانشناسی با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت فردی که متخصصان، مشکل وی را «روان» تشخیص دادند نیز مانند تمام افراد می‌توانند ازدواج کنند به شرط آنکه قبل از ازدواج از پرونده پزشکی خود اطلاعات کاملی به همسر آینده خویش بدهند. مسئله حیاتی، انسانی و علاقه‌ان آن است که همسر آینده فرد پیش از ازدواج، آموزش لازم و کافی را تحت نظر روانپزشک و روانشناس فرابگیرد تا بتواند درستی به احتمال عود علائم و نیاز همسر خویش به مصرف دارو، با آگاهی کامل از شرایط پیش‌رو در باره زندگی و آینده خود تصمیم بگیرد. بر این اساس می‌توان گفت اگر همسر آینده فرد، با علم و پرویزی‌ها و نشانه‌های اختلال بر حسب زده شده بر همسر خویش، بیماری روانی وی را بپذیرد، می‌تواند به او کمک کند تا تحت مراقبت

در میان دختران و بانوان خاطره خوشی برای مانمی گذارد. وقتی به خانه‌های امن می‌روم، تحمل اوضاع برایم بسیار سخت است چون مشکلات بسیار زیاد است و همه باید برای رفع مشکلات آن‌ها تلاش کنیم. افزایش آسیب‌های اجتماعی که بخشی از آن از طریق تماس با اورژانس اجتماعی منعکس می‌شود برای ما رنج‌آور است چون نشان می‌دهد، دختران و زنان به حدی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند که اورژانس را سرپناهی برای خودشان می‌دانند. وقتی به خانه‌های امن می‌روم و کودکانی را می‌بینم که خانه خودشان را که باید محل محبت، عشق، نشاط و حمایت باشد، رها کرده و گاه به همراه مادران خود مجبور به آمدن به خانه‌های خودشان این موضوع بسیار برایم دردناک است.»

ابتکار تاکید می‌کند که «کانون اصلی زندگی همه ما خانواده است. هیچ‌کس نمی‌تواند مهربان‌تر از پدر و مادر و به دلسوزی آن‌ها باشد. اما این زنان و دختران و کودکان به حدی رنج دیده‌اند که حاضر در حضور در خانه‌های خودشان نیستند!» هر چند که ابتکار معتقد است باید با خانواده این افراد صحبت شود تا آن‌ها دوباره به کانون گرم خانواده‌شان برگردند. اما پرسش اساسی این است که چنین خانه‌هایی اگر «کانون گرم» بودند یامی‌توانستند باشنند کار این زنان و دختران به جایی که امروز به آن پناه آورده‌اند نمی‌رسید. ابتکار با هر مسئول دیگری باید متوجه این موضوع باشند که بازگرداندن دوباره این زنان و دختران به «کانون گرمی» که از آن گریخته‌اند یعنی رها کردن آنان در شرایطی بدتر از گذشته. چرا که این بار این زنان و دختران انگ فراری را هم بر پیشانی خود دارند و از قضا همان خانواده‌ای که به اینان ضربه و آسیب زده، گناه پذیرفتن‌شان سرباز می‌زند!

خانه‌امن کجاست و چه کاری‌کنند؟

شمار زنان تماس گیرنده با اورژانس اجتماعی افزایش یافته است و این نشان می‌دهد افرادی که خوشنود دیده هستند و یا اطرافیان آن‌ها، می‌دانند اورژانس اجتماعی و مددکاران آن می‌توانند به آن‌ها کمک کنند و این آسیب‌دیدگان را به خانه‌های امن، حمایت‌کننده تحت حمایتی هستند که در آن‌ها مادر و فرزند از هم جدا نمی‌شوند تا سترس کمتری به مادر وارد شود. این زنان می‌توانند فرزندان پسر کمتر از ۱۲ سال و فرزندان دختر را بدون محدودیت سنی همراه خود به خانه‌های امن بیاورند. مدت اقامت در خانه‌های امن چهار ماه است که با توجه به شرایط زنان و دختران، قابل تمدید است. در خانه‌های امن، خدماتی مانند مددکاری

رئیس گروه دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی: در اغلب موارد خشونت خانگی، «قربانیان خشونت» خانه را ترک می‌کنند، در حالی که می‌توانیم احکامی داشته باشیم که «فرد خشونت‌ورز» را از خانه دور کنیم.

اجتماعی، روان‌شناختی و حقوقی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی ارائه می‌شود. ظرفیت هر خانه‌امن پنج نفر است. گاهی زنان خشونت‌دیده‌ای که به خانه‌های امن پناه می‌آورند در پی حل مشکل خود و بازگشتن به خانه هستند. برای این زنان طرح‌های ایمنی و اقدامات محافظت‌کننده در برابر خشونت آموزش داده می‌شود. در صورت لزوم بر نامه‌ریزی مداخله‌گرانه و توانبخشی حرفه‌ای نیز برای زنان در خانه‌های امن انجام می‌شود. رئیس گروه دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور به نکته جالبی اشاره می‌کند: «در اغلب موارد خشونت خانگی، «قربانیان خشونت» خانه را ترک می‌کنند. در حالی که می‌توانیم احکامی داشته باشیم که «فرد خشونت‌ورز» را از خانه دور کنیم.»

امیر یزدانی می‌گوید: «قانونی برای اصلاح فرد خشونت‌رسان و گذراندن ساعاتی برای اصلاح رفتار فرد نداریم. از سوی دیگر، گزارش مددکار اجتماعی در همسر آزاری جز مستندات محسوب نمی‌شود که البته این مورد جدید در لایحه امنیت زنان و لایحه حمایت از کودکان دیده شده است. رئیس گروه دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور توضیح می‌دهد: «سازمان بهزیستی کشور حدود دو سال است که وارد بحث خانگی‌های امن شده است اگر چه در سال ۸۷ این سازمان در مراکز مداخله بحران فردی و اجتماعی در این زمینه فعالیت‌هایی انجام داده است. هدف خانگی‌های امن، حمایت از زنان تحت خشونت خانگی و فرزندان تحت حضانت آنان است تا در یک مکان جدید از خدماتی بهره‌مند شوند.»

این شماره‌ها را به خاطر بسپاریم
زنان خشونت‌دیده یا در معرض خشونت و زنان و دختران رانده شده از خانه می‌توانند با شماره تلفن‌های اورژانس اجتماعی ۱۲۳ یا صدای مشاور ۱۴۸۰ تماس بگیرند تا در خانه‌های امن اسکان داده شوند.

درمانی بهتری نیز قرار بگیرد و از این منظر ازدواج امتیازی مثبت تلقی می‌شود که در روند بهبود و درمان همچون کاتالیزور نقش بسیار اساسی را ایفا می‌کند. نکته بسیار مهم دیگر آن است که خانواده‌ها به هیچ عنوان سعی در توضیح بیماری فرزند خویش به همسر آینده نداشته باشند. زیرا به طور معمول، خانواده‌ها تمایل دارند برای آنکه پیوند زناشویی صورت بگیرد، شدت علائم را کم جلوه دهند و اطلاعات درستی ارائه ندهند. از طرف دیگر در صورتیکه در آینده اگر کار به مشکلات زناشویی برسد، دادگاه خانواده می‌تواند با استعلام از پزشک، از اطلاع داشتن همسر و خانواده‌های اطمینان حاصل کند که قطعاً عواقب شرعی و قانونی را در پی دارد. با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت برخی از اختلالات روانی ریشه و منشأ ژنتیکی دارند و برخی دیگر بر حسب سترس‌های شدید و آسیب‌های روانی که فرد در سال‌های نخست زندگی تجربه کرده است، وجود می‌آیند؛ از اینرو دوران کودکی به عنوان فاکتوری خطرناک‌تر از بروز مشکلات سلامت روان دوران بزرگسالی تلقی می‌شود که می‌تواند

از گوشه و کنار

پنج تونل شهری تهران پولی می‌شود



به زودی لایحه دریافت عوارض برای تردد از تونل‌های شهری و بزرگراه صدر به شورای شهر تهران ارائه می‌شود.

معاونت حمل و نقل و ترافیک این هفته پیش‌نویس لایحه‌ای را به معاونت برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شوراهای شهرداری تهران ارائه کرده است که بر اساس آن پنج تونل تهران و اتوبان صدر مشمول دریافت عوارض عبور و مرور می‌شود. پیش‌نویس این لایحه در اداره تدوین قوانین و مقررات شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفته و این لایحه از لحاظ کارشناسی و حقوقی بررسی شده که در نهایت لایحه به تایید رسیده و به زودی به شورای شهر ارسال می‌شود.

بر اساس این لایحه، تونل‌های نیایش، رسالت، توحید، شهدای غزه و امیر کبیر و اتوبان صدر مشمول دریافت عوارض شده و خودروهایی عبوری برای هر بار عبور باید رقمی را به عنوان عوارض پرداخت کنند که گفته می‌شود حداقل عوارض پیش‌بینی شده حدود ۳ هزار تومان خواهد بود. پیش از این نیز چنین لایحه‌ای از سوی شهرداری تهران ارائه شده بود که با توجه به شرایط اقتصادی آن زمان و افزایش ناگهانی قیمت‌ها شهرداری ترجیح داد این لایحه را پیگیری نکند و آن را از شورای پس گرفت.

خانه قاجاری از انجمن اوقات فراغت پس گرفته شد



شهردار منطقه ۱۲ از بازپس‌گیری خانه دبیرالملک از انجمن اوقات فراغت خبر داد. علی محمد سعادت گفت: در دوره گذشته خانه «دبیرالملک فراهانی» - وزیرای دوره قاجاریه - واقع در خیابان امیرکبیر به انجمن اوقات فراغت که ریاست آن را رامبد جوان بر عهده داشت، واگذار شده بود.

وی با بیان این که قرار بود در این خانه برنامه‌های تفریحی با توجه به رویدادهای محلی و شهری تعریف شود تا در محله آماده‌سازی و عودلاجان شرایط زندگی بهتر شود و موجبات زنده شدن محله فراهم شود، گفت: اما در تغییر و تحولات اخیر این انجمن نتوانست به تعهدات خود عمل کند و به همین دلیل این خانه از آن‌ها پس گرفته می‌شود.

شهردار منطقه ۱۲ در عین حال گفت: البته شهرداری تهران نیز نتوانست در این مدت به دلیل تغییرات مدیریتی و هم‌چنین تداخل‌های ایجاد شده به تعهدات خود در راستای همکاری برای رونق گرفتن این خانه عمل کند.

خانه میرزا محمد حسین فراهانی ملقب به دبیرالملک فراهانی از وزیرای دوره قاجار ۱۷ دی ماه سه سال پیش به انجمن اوقات فراغت برای انجام امورات فرهنگی و بازی‌های بومی و ملی فکری داده شد.

انتقاد از نگاه امنیتی صدا و سیما به فعالیت سمن‌های حوزه جوانان

مدیر کل دفتر هماهنگی و سازماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با انتقاد از پخش مستند «خارج از دید» که در آن تفکیکی بین فعالیت‌های داوطلبانه تشکلهای مردم‌نهاد از فعالیت‌های براندازانه قائل نشده بود، از نگارش نامه‌ای از سوی جمعی از اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در واکنش به این برنامه خبر داد.

امید محدث گفت: این که صرفاً مستندی بسازیم و بگوییم همه سازمان‌های مردم‌نهادی که در کشور فعالیت می‌کنند، حتی آن‌هایی که با سازمان‌های بین‌المللی ارتباط دارند عوامل نفوذی هستند و جاسوسی می‌کنند، صحیح نیست. این نگاه امنیتی باعث می‌شود خودمان را از ظرفیت حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت‌های داوطلبانه محروم کنیم.